



گفتاری از آیت الله جوادی آملی؛ شب اول ماه ربیع الأول و رخداد دو واقعه بسیار مهم

شب اول ماه ربیع الأول تاریخ بشریت دو واقعه بسیار مهم هجرت خاتم الأنبیا از مکه به مدینه و بیتوته سید الأوصیا در بستر آن حضرت را نظاره گر است که هردوی آنها به نوبه خود بر پیکر جهان اسلام تازگی بخشید.

شب اول ماه ربیع الأول تاریخ بشریت دو واقعه بسیار مهم هجرت خاتم الأنبیا از مکه به مدینه و بیتوته سید الأوصیا در بستر آن حضرت را نظاره گر است که هردوی آنها به نوبه خود بر پیکر جهان اسلام تازگی بخشید.

به گزارش خرگزاری مهر، شب اول ماه ربیع الأول، تاریخ بشریت دو واقعه بسیار مهم هجرت خاتم الأنبیا (ص) از مکه به مدینه و بیتوته سید الأوصیا (س) در بستر آن حضرت را نظاره گر است که هردوی آنها به نوبه خود همچون نسیم بهاری، بر پیکر جهان اسلام تازگی و طراوت خاصی می بخشد.

بنابر نقل های روایی معتبر از منابع شیعه و سنی مانند ثعلبی از مفسران بزرگ و معروف اهل سنت، نزول آیه (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ) را به حق در شأن مولی الکونین حضرت علی (ع) می دانند.

مفسر قرآن کریم و صاحب تفسیر تسنیم نیز در جلد دهم تفسیر خود به صورت تفصیلی بدین واقعه مهم پرداخته که در ذیل مختصراً از نظر می گذرانیم:

وی در طلیعه این بحث آورده اند: مردم با توجه به انگیزه و هدف اخروی خود در اعمال عبادی سه دسته اند: برخی برای رهیدن از دوزخ جانشان را در دنیا نثار می کنند، پس خدا را «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» عبادت می کنند و بعضی جانشان را برای دستیابی به بهشت و مغفرت الهی به خدا می فروشند، پس خدا را «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» عبادت می کنند و دسته سوم که از برجستگان قیامت اند، جانشان را در راه خدا نثار می کنند تا به رضوان الهی برسند: (وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ) که برترین درجه و مقام و مخصوص اولیای الهی است: (وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ).

آیه مورد بحث بیان کننده درجه همین گروه سوم است که جان خود را برای خشنودی خدا به او می فروشند: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ). در این باره مطلبی است که در ذیل عنوان بعد خواهد آمد.

این حکیم متأله با بیان این نکته که قرآن کریم منشأ فساد زمین را ویرانی مراکز علمی و مذهبی می داند ابراز داشت: قرآن کریم منشأ فساد زمین را ویرانی مراکز علمی و مذهبی می داند، چون با نابودی مراکز مذهبی، اخلاق رخت برمی بندد و بشر از لحاظ «بینش» به سوی حس و از جهت «گرایش» به طبیعت روی می آورد و فساد دامنگیر آنان می شود: (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا)؛ ولی اگر مراکز علمی و مذهبی و مراسم دینی زنده و فعال باشد، هرگز فساد و تباهی گریبان جامعه انسانی و اسلامی را نخواهد گرفت لذا اولین اقدام تبلیغی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) تأسیس این گونه از مراکز دینی و فرهنگی بوده است، از این رو صلاح جامعه را باید در پرتو معمور بودن مؤسسات مذهبی جست و جو کرد، چنان که فساد آنها بر اثر ویرانی مراکز دینی است.

وی در ادامه به شأن نزول این آیه پرداخته و مرقوم داشت: الشیخ الطوسی یاسناده إلى أنس بن مالک قال: لما توجه رسول الله (ص) إلى الغار و معه ابوبکر أمر النبی (ص) علیاً (ع) أن ینام علی فراشه و یتوشح ببردته، فبات علی (ع) موطناً نفسه علی القتل و جاءت رجال قریش من بطونها یریدون قتل رسول الله (ص)، فلما أرادوا أن یضعوا علیه أسیافهم لا یشکون أنه محمدص؛ فقالوا: أیقظوه لیجد الم القتل و یری السیوف تأخذه. فلما أیقظوه فرأوه علیاً (ع) (علیه السلام) ترکوه فتفرقوا فی طلب رسول الله (ص) فأنزل الله (عز و جل) : (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ). و روی أنه لما نام علی فراشه قام جبرئیل عند رأسه و میکائیل عند رجليه و جبرئیل ینادی: «بخ بخ، من مثلك! یا ابن أبی طالب! یتاهی الله (تعالی) الملائكة بك».

به تواتر روایت شده است که این آیه شریفه در شأن امیر مؤمنان، علی (ع) نازل شده است، آن گاه که در شب هجرت در بستر پیامبر اکرم (ص) خوابید و جان خود را در راه کسب خشنودی خدا نثار کرد.

غیر از شیعه بسیاری از مفسران عامه نیز معتقدند که این آیه شریفه در شأن امیر مؤمنان (ع) در جریان «لیلة المبيت» نازل شده است؛ برای نمونه، ثعلبی از مفسران بزرگ و معروف اهل سنت، در این باره می نویسد: پیامبر (ص) هنگام هجرت از مکه فرمان

داد تا علی(ع) در بستر او بخوابد و پارچه سبز رنگی (بُرْدَ حَضْرَمی) را که مخصوص پیامبر(ص) بود بر روی خود بکشد. سران قریش از هر قبیله‌ای نماینده‌ای برگزیده بودند تا پیامبر(ص) را محاصره کرده و به شهادت رسانند. خدای سبحان به جبرئیل و میکائیل(ع) وحی کرد که من شما را برادر یکدیگر کردم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر قرار دادم، کدامیک حاضر است ایثار کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ هیچ یک حاضر نشدند، پس خداوند به آنان وحی فرمود که اکنون علی(ع) در بستر پیامبر(ص) آرمیده و آماده است تا جان خویش را فدای او سازد. به زمین بروید و نگهبان او باشید.

هنگامی که جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی(ع) قرار گرفتند، جبرئیل گفت: آفرین بر تو ای علی! خداوند به وجود تو بر فرشتگان مباحثات می‌کند، آن‌گاه این آیه شریفه نازل شد.

آیت الله جوادی آملی جریان لیلۃ المبیت را نظیر تصدیق خداوند نسبت به رؤیای صادق حضرت ابراهیم(ع) قلمداد کرده و با اشاره به نقلی از مرحوم کاشف الغطاء در مقایسه‌ای میان شجاعت و شهامت امیرمؤمنان و حضرت سیدالشهداء(ع)، چنین کتابت داشت: انطباق آیه مورد بحث بر جریان حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) نظیر تصدیق خداوند نسبت به رؤیای صادق حضرت ابراهیم(ع) بود، زیرا امیرمؤمنان(ع) کمال آمادگی را برای بذل جان در قبال دستور پیامبر اعظم(ص) که فرمان آن حضرت(ص) نیز مطاع بود داشت، همان‌طور که حضرت اسماعیل(ع) چنین آمادگی محض را ارائه کرد. اگر قضای الهی بر خلاف تصمیم قریش رقم خورد خداوند حکم دیگری را تنظیم فرمود که برابر آن حیات مجدد حضرت علی(ع) امضا شده است.

کاشف الغطاء در مقایسه‌ای میان شجاعت و شهامت امیرمؤمنان و حضرت سیدالشهداء(ع)، با اشاره به جریان «لیلۃ المبیت» می‌فرماید: شجاعت امیر مؤمنان، امام علی(ع) بیشتر و عجیب‌تر از شجاعت امام حسین(ع) در کربلاست، چون حسین بن علی(ع) در روز عاشورا مسلح بود و می‌گشت و کشته می‌شد؛ ولی علی بن ابی‌طالب(ع) در شب بدون سلاح در بستر پیامبر اکرم(ص) بدون کمترین هراسی آرمید، حال آنکه چهل مرد مسلح از چهل قبیله بر او حمله‌ور شدند.

البته امام حسین(ع) نیز اگر در موقعیت امیرمؤمنان، علی(ع) قرار می‌گرفت، همان کار را می‌کرد؛ لیکن این جریان برای حسین بن علی(ع) به فعلیت نرسید.

روایت نزول این آیه شریفه در شأن امیرمؤمنان، امام علی(ع) را حافظ حسکانی در کتاب شواهد التنزیل به ده سند از اهل تسنن نقل کرده است؛ اما شگفتا که سیوطی در الدر المنثور این روایت مستفیض بلکه متواتر نزد علمای شیعه و اهل تسنن را نیاورده، با آنکه شاذ و نادرترین روایات را در آن کتاب گردآورده است. این نشانه فقدان ولایت نسبت به اهل بیت نبوت(ع) است که این‌گونه حقایق را کتمان می‌کند.

وی به تلاش معاندانی چون معاویه ملعون جهت حذف یا جعل احادیث در رد این فضیلت برای امیر مؤمنان(ع) نیز پرداخته و آورده است: عظمت فضیلتی که این آیه برای امیر مؤمنان علی(ع) بیان می‌کند به حدی است که برای دشمنان اهل بیت قابل تحمل نبود، آن‌سان که معاویه در این باره در صدد جنایتی بزرگ برآمد. ابن ابی الحدید معتزلی از استادش ابو جعفر اسکافی نقل می‌کند: روایت شده است که معاویه صد هزار درهم به سمره بن جندب داد تا حدیثی را جعل کند که آیات (وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْقَسَادَ) در شأن علی بن ابی‌طالب(ع) نازل شده است و آیه (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ) در شأن ابن ملجم، قاتل امیرمؤمنان، علی(ع). آن منافق جنایت‌پیشه ابتدا نپذیرفت؛ ولی سرانجام پذیرفت که در برابر چهارصد هزار درهم چنین حدیثی را از پیش خود ساخته و روایت کند. لیکن همان‌طور که انتظار می‌رفت هیچ‌کس این حدیث مجعول را نپذیرفت.